

خوشبختی در زندگی زناشویی

چگونه بدست می آید؟

محبت، مبادله‌ی طبیعی است و شما همانقدر از آن می‌چشید که دیگری را چشانده باشید...

در حالیکه قادر نیستند آن وظایف را بنحو کامل انجام دهند و از هر جهت جایگزین خانواده‌ها شوند در نتیجه مهم‌ترین وظیفه خانواده امروزی پیرامون شخصیت دورمی‌زند.

از اینرو «انست بر گس» خانواده خوشبخت کنونی را بمنزله یک واحد شخصیت‌های متعادل می‌دانند که مهم‌ترین وظیفه آن عبارت از تشدید محبت بین زن و شوهر و پرورش شخصیت کودک است بطوریکه اگر محبت بین زن و شوهر رو بضعف نهد و یا ناپدید گردد در ذابط زناشویی مختل می‌شود و غالباً منجر بجدائی و طلاق می‌گردد.

جامعه‌شناسان مطالعات فراوانی پیرامون این نکته بعمل آورده‌اند که نیک بختی در زندگی

از لحاظ زیست‌شناسی (بیولوژی) وظیفه خانواده تنها امتداد نسل است اما در خانواده انسانی وظایف دیگری وجود دارد که اهمیت آن کمتر از تولیدمثل نیست.

هر خانواده دارای هدفهای اقتصادی و مذهبی و حمایتی و فرهنگی و حیثیتی است که بر حسب جامعه و زمان هر کدام اهمیت خاصی می‌یابند ولی متأسفانه در عصر ما رشته‌هایی که در گذشته اعضای خانواده را بهم پیوند می‌داد بیش از پیش تضعیف شده است و وظایف تربیتی و مذهبی و حمایتی خانواده‌ها کم و بیش رو بضعفان نهاده تأسیساتی در بیرون از خانواده برای بهمه گرفتن آن وظایف بوجود آمده است.

درزندگی زناشویی ارتباط نزدیک دارد باین ترتیب که عدم توجه بمذهب تأثیر فراوانی در اختلال زناشویی و فقدان صمیمیت ضعف آن دارد زیرا واضح است که دین ومذهب باتدوین قوانین محکم وهمه جانبه خود ، وظائف هر يك را جداگانه بیان کرده وهر يك را ملزم کرده است بآن وظائف عمل نمایند .

وهمین اصل ایجاب می کند که زن وشوهری که بخواهند درزندگی زناشویی بکامیابی ونیک بختی موردنظر برسند باید دستورالعمل های اسلامی را دقیقاً مورد اجرا بگذارند ودراین صورت مرد هرگز حق نخواهد داشت همسر خود را بدون جهت تحت فشار قرار دهد و بحقوق وی تعدی کند و از دائره اصل مسالمت آمیز وصلح وصفا وصمیمیت پارسا فراتر بگذارد و همچنین زن نخواهد توانست به دلخواه خود درخانواده عمل کند و بحقوق شوهر خود تجاوز نماید . و ما درآینده دراین باره بیشتر گفتگو خواهیم کرد .

مطالعات محققین در مسأله خانواده بسویزه «لویس ترمان» و«هاریت مورد» نشان می دهد که اشخاصیکه دارای شخصیت متعادل وموزون می باشند درزندگی زناشویی خوشبخت تر هستند واین محققان باین نکته پی برده اند که اختلاف وبختی درازدواج بیشتر ناشی ازعدم تطبیق دوشخصیت است و شکایت و گله زن وشوهر از یکدیگر غالباً نشانه اختلاف بین دوشخصیت است .

* * *

عدم تطبیق در شخصیت چگونه باعث

زناشویی چگونه حاصل می شود ؟ و چه عوامل شخصیتی درتأمین نیک بختی درخانواده موثر است ؟ «ارنست برکس» و«لئونارد کونزل» در کتاب معروف خود «پیش بینی موفقیت یا شکست در ازدواج» نتیجه مطالعات خودشان را در میان ۵۲۶ زوج که همگی شهرنشین وازطبقه متوسط بودند و عموماً تحصیلات خود را در دانشکده ویا دبیرستان پیاپی رسانده بودند باین شرح اعلام داشتند :

«ازعلائم موفقیت درزندگی زناشویی عوامل زیر می باشد : ابراز محبت بیکدیگر - میزان علاقه مشترک بمسائل مختلف زندگی - ونکات دیگری که موجب سازش بین زن ومرد درخانواده می شود این تحقیق گواینکه نمیتواند تمام جنبه های نیک بختی درمیان خانواده ها را روشن سازد ولی این بررسی ومطالعات تجربی و علمی در روشن شدن بعضی ازعوامل موضوع نیک بختی بسیار مؤثر است این مطالعات بوضوح نشان می دهد زن یامردی که غالباً درزندگی زناشویی کامیاب می گردد زن یا مردی است که پدر و مادرش زندگی خانوادگی موفقیت آمیز داشته ودرازدواج خود قرین موفقیت بوده اند ، کسی است که دوران کودکی سعادت آمیز داشته درخانه ای میزیسته است که در آن انضباط جدی حکمفرما بوده ، پدرومادردر کمال صمیمیت زندگی داشته اند .

نکته جالب در تحقیقات دانشمندان از جمله «هاروی لاک» در کتاب خود : «پیش بینی سازش درازدواج» این است که با اتکا به نتایج مطالعه : «دین که نشانه شخصیت اجتماعی است بسازگاری

اختلاف می‌شود ؟

اینک باید به بررسی این مسأله پرداخت که عدم تطبیق دو شخصیت چگونه موجب اختلافات و فقدان صمیمیت و محبت میان زن و شوهر می‌گردد اخیراً در کشور بلژیک مؤسسه روابط اجتماعی و امور خانوادگی دست با اقدام جالبی زده است بدین معنی که با پرسش از صد هزار بانوی بی‌زوج و کارگرواداری و خانه‌دار توانسته است آمارهایی از علل نارضایتی‌ها و شکایات آنان تهیه کند .

این آمارها گرچه از يك کشور اروپائی دارای اصول فکری و خانوادگی ویژه آن تهیه شده است ولی بدنیست نکات بسیار جسته آنرا برای اطلاع خوانندگان ذکر کنیم زیرا کم و بیش در کشور ما نیز تطبیق کرده گوشه‌ای از مشکلات زندگی زناشویی ما را نیز روشن می‌سازد و یا لاقلاً با کم و کیف بعضی از بحرانهای ازدواج و طرز فکر برخی از زنان و شوهران آشنا شویم و سعی کنیم مشکلات زناشویی آنها بعنوان ارمغان غرب وارد خانواده‌های ما نگردد .

این آمارها نشان می‌دهد که بانوان در درجه اول مایلند شوهرانشان احساساتی باشند و مانند دوران نامزدی در اظهار عشق و علاقه و محبت خویش خودداری نمایند در حالیکه امروز بر خلاف دوران گذشته مردها کمتر بهمسرانشان پرداخته و از وی دلجوئی و تنقید می‌کنند مردها علت این رفتار را تغییر روحیه زنان می‌دانند و می‌گویند رفتار خشن بانوان در کانون خانوادگی و دخالت آنها در اداره امور داخلی و فعالیت در خارج از کانون خانوادگی

و مخالفت بی‌دلیل در هر موضوعی بمافروست نمی‌دهد احساسات واقعی خود را بروز دهیم .

اگر مردان در گذشته نسبت بهمسران خود نقش شیفته دلخسته را بازی می‌کردند برای آن بود که در مقابل خود موجودی انعطاف پذیر و فرمانبردار می‌دیدند که ارزش محبت را در می‌یافت. پس از آن نوبت بحفظ شخصیت و رعایت ادب و احترام می‌رسید. در این خصوص بسیاری از بانوان معتقدند که شوهران آنها با آنها رفتاری جسورانه و خارج از نزاکت دارند در حالیکه نسبت به خانه‌های بیگانه رفتارشان از روی کمال ادب و احترام است و با آنها بطور شایسته‌ای برخورد می‌کنند .

در این مورد نیز باید گفت در گذشته مردها نسبت بزین احساس ترحم و دلسوزی داشتند و آنها را همانند گلهای لطیفی می‌پنداشتند که باید مورد مهر و محبت واقع شوند ، امروز بنحوی است که دیگر معیارهای گذشته را در ملاطفت و زود رنجی از دست داده‌اند بطوریکه می‌توانند خود بدون هیچ گونه دخالت مرد بزندگی خود ادامه داده برفع حوائج و نیازهای شخصی خود بپردازند .

در این صورت مواظبت مرد و دلجوئی و ملاطفت اولازم و ضروری نیست در واقع مردها با سهل‌انگاری در حفظ احترام همسرانشان می‌خواهند نوعی انتقام بگیرند از اینکه آنها را از حکومت و اداره امور خانوادگی محروم ساخته‌اند بدین ترتیب ملاحظه می‌شود در بسیاری از موارد قصور و کوتاهی مردها نتیجه رفتار و روش افراطی بانوان است . حال برای اینکه این قصورها و افراطها در

برود تا پس از گذشت چند سال شکافی بین طرفین بوجود نیاید زیرا اختلاف سطح فهم، در زندگی زناشویی، عدم تفاهم و توافق پیش می‌آورد یعنی شوهران دلشان می‌خواهد که همسرشان علاوه بر نقش مادری و سایر وظائف مربوط به خانواده، رشد عقلی پیدا کرده، در فکر بالا بردن سطح فکر خود باشند شوهران غالباً يك زن کامل می‌خواهند و این بزرگترین توفیق است که تاکنون اجتماع از زن داشته و دارد دیگر امروز مثل سابق زیبایی ظاهری و آراستن قدرت خلاقه خود را از دست داده است.

زندگی زناشویی پیش نیاید باید زن و شوهر بعد از تشکیل خانواده در این مسأله مهم خوب مطالعه کنند که راستی راستی از هم دیگر چه می‌خواهند و چه توقعاتی دارند؟

مسئلاً در حین اول آرایش و تفاهم - توافق در عقیده وجدان راحت و صمیمیت و رفاقت از یکدیگر انتظار دارند و هنگامی این انتظارات جامع عمل می‌نویسد که هر کدام نکاتی را در نظر بگیرند از جمله اینکه شوهران اصولاً از همسر خود انتظار دارند که جمود و سکون در زندگی نداشته همراه پیشرفت فهم و شعور علمی و اجتماعی شوهر جلو

باز هم بگوئید بشر مادی است

فیزولوژیست‌های انگلیسی اخیراً اعلان کردند که دانشمندان شوروی چندی پیش به منطقه‌ای از مکزیک، برخورد کرده‌اند که دینامیسم آن تاکنون برای بشر مخفی بوده است منطقه‌ای که مخصوص ارتباط با خداوند جهان می‌باشد. این قسمت که در معتقدین بخداوند رشد بیشتری دارد تنها با نیایش تقویت میشود! در پرتو جالبی که بعضی جرائد پیرامون ساختمان مغز انتشار دادند، عکسهای عجیبی نیز منتشر نمودند، که از جمله عکس‌ها عکسی است که قسمت‌های مختلف مغز در آن نمایش داده شده و یکی از قسمت‌ها مربوط به دروخانیت است یکی از جرائد معروف نیز مدتی قبل نوشته بود که بر اثر کشف منطقه مخصوص نیایش در مغز، اولیای کرملین اعلام کردند که شوروی می‌بایست در عقاید خود راجع به مذهب تجدید نظر کند!

(مدارک گفتار بالا: کتابهای آغاز هزاره سوم - اسلام و کهنه‌نیزم - روزنامه کیهان)

(از احمد باقریان)